

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

۲۷ اپریل ۲۰۱۵

هفت و هشت ثور، دو روز مصیبتار وطن!!

در صفحات درخشان و افتخارآفرین تاریخ وطن عزیز، که مایه سرافرازی ست، متأسفانه لکه های تاریک و شرماگینی هم وجود دارند، که یادآوری از آنها، خاطرها را سیاه و مکدر میسازد؛ به خصوص در چهل سال اخیر، از کودتای ثور، تهاجم اتحاد شوروی با قشون خون آشام، خونریزی و خانه جنگیهای تنظیمی، امارت سیاه اندیش طالبان و القاعده و اینک داعش و شاید بلاهای دیگر، مردم غیور و صبور ما، شب و روز تلخ و ناگواری را پشت سر میگذارند و به آرزوی این که دستی از غیب برون آید و کاری بکند، روزشماری دارند. من و دوستان کثیری چون من که با فجایع چهل سال اخیر، پا به پا زندگی کرده ایم، از همان شروع تا کنون کوشیده ایم خود را با مصائب پایان ناپذیر مردم شریک دانسته و به موقع بر آن انگشت انتقاد بگذاریم. درین برهه زمانی، روزهای هفت و هشت ثور، مصیبت بارترین روزهای اند، که صفحات درخشان تاریخ ما را لکه دار ساخته اند و به همین مناسبت در تقبیح این دو روز، سروده هایی دارم که باربار به دست نشر سپرده شده است و اینک از جمله، دوتا را چون تکرار حسن از نظر تان میگذرانم:

هفت ثور:

خدا خراب کند، هر که فکر «پرچم» کرد	سری که فخر جهان بود، در جهان خم کرد
به زور بازوی بیگانه تکیه زد، خود را	به کرسی که ثباتی نداشت، مُحکم کرد
به نام خـلق به بنیاد خلق آتش زد	بهشت آرزوی خـلق را جهنم کرد
برات نوکری "ما" بدست، «قادر» داد	ندای بندگی "ما" بلند «اسلم» کرد
بنای کار به جاسوسی و سعایت ماند	نظام ملک بهـم ریخت، نامنظم کرد
به پیل و اسپ رخ شاه را به میدان بست	پیاده را ز پیـمات او مقدم کرد

جلیل و مقتدر و محترم موخـــــر شد سفیه و سفله و بی مایه را مکرم کرد
تبسمی به لب ار نقش بست، نقشش ریخت تکلمی به زبان گـــــر نشست، مبهم کرد
به عضو خاد محال است پنجه نرم کنی که دیـــــو را نتوان با تلاش آدم کرد
بساط گـــــلشن میهن، مقام زاغان شد به خاک تیره بیاید نشست و ماتم کرد
رسیده نعره تکبیرها به عرش مجید شکست لشکـــــر الحاد را مسلم کرد

«اسیر» شکوه ز بیگانگان نمیشاید
هرآنچه کرد به ما، خلق کرد و پرچم کرد

(م. نسیم «اسیر» سپتمبر ۱۹۹۶ ع، بن المان)

هشت ثور

شقاوتی که پس از حزب خلق و پرچم کرد گـــــروه بی سر، تنظیم نامنظم کرد
درنده خوئی شان بود آنچنان که میپرس ندیده باشی که دیـــــوی به جنس آدم کرد
به خـــــدعه برد یکی چوکی ریاست را به اخذ و جر دگری کسب صدر اعظم کرد
یکی به جمعیت خلق بست چشم امید دگـــــر نیاز به آدمکشان پرچم کرد
به تحـــــفه لقب خالد ولید، دگر تلاش و تکیه به جمعیت گلمجم کرد
به نام پاک مجاهد، فرشته های نجات دو سه معامله گر، چور و ظلم پیهم کرد
اساس وحدت و الفت بهم زدند به جنگ به شیوه ای که برادر ز همدگر، رم کرد
شر و فساد چنان شد ز دست دوزخیان وطن که بود بهشت برین، جهنم کرد
رسید فتنه به جایی که زیر نام خدای خـــــلاف امر خدا، کار واجب الذم کرد

«اسیر» شکوه ز هر یک بجا بود، لیکن
ز یاد کس نرود، آنچه صدر اعظم کرد

(م. نسیم «اسیر» ۲۶ اپریل ۲۰۱۲ ع، فرانکفورت)